

* شاخصه‌های هویت اسلامی و نقش خانواده در پدیداری آن (از منظر آیات و روایات)

□ خدیجه ابوالاولا^۱

چکیده

کانون خانواده نخستین محیط تربیتی و مهم‌ترین جایگاه پرورش استعدادهای فطری فرزندان است. والدین می‌خواهند فرزندانشان به شایسته‌ترین نحو، تربیت دینی یافته و با خودشناسی بر مدار توحید حرکت کنند. خانواده‌ها برای بهبود روابط خود با فرزندان و تأثیرگذاری بر آنان باید مقتضیات عصر جدید را بشناسند و ضمن آگاهی‌بخشی، بسیار سنجیده و هدفمند گام بردارند. این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی نگاه ویژه‌ای به موضوع هویت داشته و با استمداد از آیات نورانی قرآن و کلام معصومین علیهم السلام، مؤلفه‌های برجسته هویت اسلامی را مورد تحلیل قرار داده است. ابتدا با بهره‌گیری از آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی قرآن و معصومین علیهم السلام به بیان چیستی هویت و اقسام آن پرداخته و سپس بسترهای لازم جهت احراز هویت اسلامی در لوای اصل خدامحری، اعتلاجوبی و معادباوری تبیین شده است. در نهایت برخی شاخص‌های برجسته هویت اسلامی و راه‌کارهای تأثیرگذار خانواده، از جمله

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۳.

۲۲۷

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث گرایش تفسیر اثری؛ دانش آموخته جامعه الزهراء علیها السلام

Abolola2000@yahoo.com

پای‌بندی به ارزش‌ها، پرورش فضایل اخلاقی، معرفی الگوهای صالح، رعایت حقوق متقابل، تربیت جنسی، بصیرت افرایی، مدیریت زمان، مسؤولیت‌پذیری، انتظار و آرمان شهر مهدوی معرفی گردیده است.
واژگان کلیدی: انسان، تربیت دینی، خانواده، خودشناسی، هویت اسلامی.

مقدمه

نزول کتاب‌های آسمانی و مذاهب مختلف برای راهنمایی انسان در پاسخ به کیستی و چیستی خود او است. از سویی خانواده، نخستین کانون شکل‌گیری رشد شخصیت و هویت یابی فرد به شمار می‌رود. والدین در برابر ارزش‌های اسلامی جامعه مسؤولند و انتقال بایسته‌های اعتقادی و اخلاقی از وظایف خطیر آنان به شمار می‌آید.

اراده خداوند بر این حقیقت استوار است که انسان به جایگاه واقعی خود دست یابد. خداوند برای وصول این امر، مواهبی در اختیار بشر قرار داد، از جمله ارسال رسولان و نزول شریعت، عقل و اراده، تا ارزش‌مندی خود را درک نموده و به کمال برسد. در آموزه‌های الهی، کارکردهای متنوعی برای والدین و فرزندان در نهاد خانواده مطرح شده است؛ راه کارهایی که مبتنی بر آیات و روایات است و ریشه در مبانی اعتقادی و اخلاقی ما دارد. در عصر حاضر که ابزارهای دشمنان تغییر ماهوی یافته، اساسی‌ترین برنامه‌های تربیتی والدین باید بر مدار تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی باشد که ثمرة آن سرافرازی دنیوی و سعادت اخروی است.

وجه تمایز این پژوهش با سایر مطالبی که در این خصوص نگاشته شده، در این است که سعی گردید به صورت اجمالی به مباحث پیرامون هویت اشاره شود و از طرفی در باب اسلامی بودن آن، به نکات کلیدی تبیین شده توسط بزرگانی همچون آیت‌الله خامنه‌ای[ؑ] توجه شده تا نقشه راه باشد. بخش اعظم نظریات و تحلیل‌ها، مربوط به خود پژوهش گر و در راستای بررسی‌های میدانی می‌باشد.

مقاله حاضر شامل سه فصل می‌باشد:

۱. «هویت و اقسام آن»: پس از تبیین چیستی هویت با استفاده از آیات و روایات ائمه طاهرين علیهم السلام، هویت‌های فردی، ملی، فرهنگی، دینی و اجتماعی تشریح شده و ضرورت هویت دینی و ارتباط آن با سایر هویت‌ها مستدل گردید.
۲. «شاخص‌ها و بسترهاي مؤثر هویت اسلامی»: در این فصل با تمسک به روایت «رَحْمَ اللَّهُ امْرَءٌ عَرَفَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ»، مؤلفه‌های مهمی همچون خدامحوری، عبادت، غایت‌شناسی و اعتلاج‌جویی تبیین و تحلیل شده است.
۳. «تکوین هویت اسلامی در کانون خانواده»: در این فصل برخی از شاخص‌ترین عوامل و راه‌کارهای تأثیرگذار بر کانون خانواده، از جمله پای‌بندی به ارزش‌ها، پرورش فضائل اخلاقی، رعایت حقوق متقابل، معرفی الگوهای صالح، تربیت جنسی، بصیرت افزایی، مدیریت زمان، مسؤولیت‌پذیری، انتظار و آرمان شهر مهدوی مطرح گردید.

فصل اول: هویت و اقسام آن

۱- مفهوم شناسی

هویت (Identity)، از نظر لغوی به معنای شخصیت، ذات، هستی، وجود و آنچه که منسوب به «هو» می‌باشد و در اصطلاح به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۹، ذیل واژه هویت). از سویی در اصطلاح معارف دینی هویت به معنای ذات و حقیقت انسان که با بعضی از معانی نفس در قرآن از جمله ذات و شخص، شخصیت و خود (قرشی، ۱۳۷۸، ذیل واژه نفس) نیز اشتراک معنایی دارد، معرفی شده است.

۲-۱. چیستی ہویت

اگر انسان برای پرسش‌های زیر پاسخ مطمئن و متفاوض کننده‌ای پیدا کند، هویت خود را پیدا کرده است.

(۳۴)

- بداند جایگاه و منزلت و مرتبه او چیست و چه تعریفی دارد؟

- آگاه باشد که چه پیوندها، رشته‌ها و ارتباط‌هایی او را به خود و جهان خارج از خود متعلق می‌سازد؛

- درک کند که چه نقش‌ها، وظایف و مسؤولیت‌هایی در مقابل خود و دیگران به عهده دارد؟

- شناخت واقع بینانه‌ای از توقعاتش نسبت به خود و دیگر ان به دست آورد.

- و در نهایت نسبت خود را بایا گذشته و حال و آینده به درستی دریابد

(شنبه، ۱۳۸۵، ص ۹).

در این روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز به مسأله خودیابی اشاره شده است: «عَجَبْتُ لِمَنْ يَنْشُدُ ضَالَّةً وَقَدْ أَضْلَلَ نَفْسَهُ فَلَا يَطْلُبُهَا»؛ در شکفتمن از کسی که گمشده خود را می‌جوید و خود را گم کرده و آن را جستجو نمی‌کند (آمدی)، ۹۵، ص ۱۳۷۷.

بنابراین همان حقیقت شخص است که مشتمل بر صفات جوهری او می‌باشد، و این همان مقوله‌ای است که در خودشناسی به دنبال دست یافتن به آن می‌کوشیم. لذا می‌توان گفت که با تحقق خودشناسی، بخش عمده‌ای از هویت فردی نیز محقق می‌شود.

۱-۳. اقسام هویت

هویت، نوع چیستی و کیستی فرد را مطرح می‌کند که در حیطه‌های مختلف متصور است، از جمله هویت فردی، هویت ملی، هویت دینی، هویت اجتماعی و هویت فرهنگی.

۱-۳-۱. هویت فردی

انسان از دیدگاه قرآن دارای توانمندی‌ها و ویژگی‌های خاصی است که او را از سایر موجودات متمایز می‌سازد. خودشناسی را می‌توان اولین گام خودیابی دانست. انسان تا با خودکاوی، نتواند ارزش وجودی خویش را بشناسد، نخواهد توانست به کمال حقیقی، که همان رسیدن به قرب الهی است، دست یابد. مسئله خودشناسی و خودیابی از امور مورد تأکید اسلام و قرآن است و با توجه به نقش خودشناسی در شناخت خداوند است که قرآن کریم، فراموش کردن نفس را لازمه فراموش کردن خدا و به منزله عقوبیت این گناه معرفی می‌کند:

﴿وَ لَا تَكُونُوا كَالذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَإِنْسَاهُمْ أَنفُسَهُمُ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

(حشر/۱۹)؛ و همچون کسانی نباشد که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خودفراموشی گرفتار کرد.

همچین در اهمیت این موضوع همین بس که حضرت علی علیہ السلام «معرفة النفس» را سودمندترین معارف دانسته‌اند. علامه طباطبائی ره، در عظمت معرفت نفس می‌فرماید:

«معرفت به نفس سودمندتر از معرفت آفاقی است، انسان وقتی به سیر درباره نفس خود پردازد و اغیار را از دل بیرون راند و با دل خلوت کند، از هر چیزی منقطع و به خداوند متعال می‌پیوندد» (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۱۸۷).

۱-۳-۲. هویت ملی

هویت هر ملتی در فرهنگ و تاریخ آن مردم ریشه دارد. آیت‌الله خامنه‌ای ره در زمینه ارتباط هویت ملی و اسلامی می‌فرمایند:

«ملت ایران احساس هویت می‌کند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت گرفته از همین هویت اسلامی است. احساس می‌کند که ایران اسلامی همان هویت گمشده‌ای است که باستی این ملت دویاره آن را به دست بیاورد و براساس آن، آرمان‌های خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود

را شکل دهد».^۱

از نظر صاحبان اندیشه، هویت ملی نه تنها در مقابل هویت دینی نیست که حتی این دو حوزه را می‌توان مکمل یکدیگر دانست، زیرا به شکوفایی و اعتلای ملت می‌انجامد. امیر کلام مولای متقيان ع در مورد حب وطن می‌فرمایند: «النَّاسُ أَبْنَاءُ الدُّنْيَا وَ لَا يُلَامُ الرَّجُلُ عَلَى حُبِّ أُمّةٍ»؛ مردم فرزندان دنیا هستند و هیچ کس را بروزی مادرش نمی‌توان سرزنش کرد (رضی، ۱۳۸۱، ص ۷۰۲).

۱-۳-۳. هویت فرهنگی

فرهنگ، آئین و آداب و سنت هر ملت به منزله گنجینه‌ای است که باید در حفظ و بقای آن کوشید. بازنگری باورهای فرهنگی و پالایش اندیشه‌های آمیخته با آموزه‌های دینی از راه کارهای مؤثر در احیای این هویت به شمار می‌رود. فرد باید تاریخ و فرهنگ خود را بشناسد و آنها را در نهاد خویش یکپارچه سازد و انسجام بخشد؛ سپس بتواند فرهنگ خود را از فرهنگ‌های دیگر متمایز نماید. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُنْهَا نُورُهُمْ إِذَا أَتَوْا مِنَ الْكَوَافِرُونَ﴾ (توبه/۳۲)؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، و خدا جز به کمال رساندن نور خود نمی‌خواهد؛ هر چند کافران را خوش نیاید.

به طور معمول، ملت‌هایی که دارای فرهنگ غالب هستند با استفاده از قدرت و گاه با غلبه سیاسی و قدرت، سعی در تحمیل فرهنگ خود دارند که این را تهاجم فرهنگی گویند (عیوضی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵). البته بین تهاجم و تبادل فرهنگی، تمایزی آشکار وجود دارد که آیت الله خامنه‌ای ط در این مورد می‌فرمایند:

«تهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است؛ غیر از گرفتن بر جستگی‌ها و زبده‌گزینی از فرهنگ‌های دیگر است؛ این چیزی است مباح، بلکه واجب. اسلام به ما دستور می‌دهد، عقل هم به طور مستقل از ما می‌خواهد که هر چیز

خوب، زیبا و با ارزشی را که در هر کجا می‌بینیم، آن را فرابگیریم و از آن استفاده کنیم».^۲

(۳۳)

۱-۴-۳. هویت دینی

دین یکی از عناصر پایدار و دائمی در همه تمدن‌هاست. هویت دینی را می‌توان از مهم‌ترین هویت‌هایی دانست که بسیاری از رفتارها و آرمان‌های ما براساس آن شکل می‌گیرد، به طوری که می‌توان لازمه داشتن هویت‌های مطلوب فردی، فرهنگی، ملی و غیره را تثیت این هویت در زندگی دانست؛ لذا قرآن کریم در این باره از سه عنصر اساسی به نام «اعتقاد، اخلاق و اعمال» یاد می‌کند و آنها را از ارکان سازنده هویت انسان می‌شمارد.

۱-۵-۳. هویت اجتماعی

بخش عمده هویت ما در جامعه شکل می‌گیرد؛ خانواده، مراکز آموزشی و مراسم و مجالس جمعی از این جمله‌اند. از مهم‌ترین راه‌های تثیت هویت اجتماعی فرزندان، مشارکت در مراسم و مناسک مذهبی، اعم از اعیاد و عزاداری‌هاست. عضویت در تشکل‌های اسلامی و هیئت‌های مذهبی موجب علاقه‌مندی فرزندان به فعالیت‌های گروهی و تقویت وابستگی عاطفی آنان به مذهب خواهد شد. امام باقر علیه السلام در این مورد فرمودند:

«اجْتَمِعُوا وَ تَذَكَّرُوا تَحْفَّ بِكُمُ الْمَلَائِكَةُ رَحْمَ اللَّهُ مَنْ أَحْبَبَنَا»؛ گرد هم آید و با یکدیگر گفتگو کنید که در این صورت فرشتگان شما را احاطه کنند، خدا رحمت کند کسی را که امر ولایت ما را زنده کند» (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۲).

اگر بستری‌های اجتماعی در اعطای شخصیت و هویت به افراد به شایستگی عمل کنند، ثمره‌اش اعتماد به نفس، خودباوری، عزت نفس، تعالی و کمال طلبی افراد خواهد شد.

فصل دوم: بسترهای و شاخصه‌های مؤثر بر هویت اسلامی

از مباحث گذشته دریافتیم هویت و کیستی، مبحثی است که در ارتباط و نسبت خود با قیود فرهنگ، اجتماع، دین یا اسلام تخصیص می‌یابد؛ از سویی دین و دینداری آدمی را در عرصه‌های مختلف حفظ می‌کند و از فروافتادنش در تباہی و نابودی جلوگیری می‌نماید؛ چرا که «صیانةُ المُرءُ عَلَى قَدْرِ دِيَاتِهِ»؛ نگهداشت انسان از گناهان به اندازه دینداری او است (آمدی، ۱۳۷۷، ص ۴۵۷).

هویت در دین مبین اسلام براساس رهنماهای قرآن و روایات معصومین ﷺ، مبنی بر اصول مختلفی است. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در روایتی می‌فرمایند:

«رَحِيمُ اللَّهُ أَمْرَءُ عَلَمَ مِنْ أَيْنَ وَفِي أَيْنَ وَإِلَى أَيْنَ»؛ خدا رحمت کد کسی را که بداند از کجا آمده و در کجا قرار گرفته است و به سوی کجا می‌رود (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۶).

با بهره‌گیری از این روایت امیرمؤمنان علیه السلام به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر هویت اسلامی اشاره می‌نماییم.

۲-۱. مؤلفه‌های مؤثر بر هویت اسلامی

۲-۱-۱. خدامحوری

دعوت به توحید به عنوان مهم‌ترین مدار تربیتی در توصیه‌های انبیاء علیهم السلام دیده می‌شود. آنجا که سؤال «مِنْ أَيْنَ» مطرح می‌گردد، پذیرش اصل توحید، والاترین مرتبه هویت انسان مسلمان می‌شود، چنان که شرک، مهم‌ترین عامل بی‌هویتی محسوب می‌گردد. حضرت علی علیه السلام در ضرورت دست‌یابی به معرفت خدا می‌فرماید:

«أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصْدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الإِخْلَاصُ لَهُ»؛ آغاز دین معرفت و شناخت کردگار است و کمال

معرفت ایمان به ذات پروردگار و کمال ایمان در توحید و یگانه دانستن او است و تکامل توحید در اخلاص به ساحت قدس ربوبی است (رضی، ۱۳۸۱، خ۱).

(۳۵)

انسان معتقد به خدای یگانه، در جستجوی خودیابی و هویت به طریقی

می‌اندیشد که خلاً معنوی خود را پوشش دهد و سیراب از اطاعت حق گردد.

۲-۱-۱. اطاعت الهی: از شاخص‌ترین نمودهای باور توحیدی، اطاعت

است. اطاعت یعنی اعتقاد به این که فرمانده و مطاعی جز خدا وجود ندارد. انسان کامل باید محور تمام اعمال، اهداف، اخلاق و افکار خود را خدا و اطاعت از او

قرار دهد و از هر چه غیر او است پرهیز نماید.

از دیدگاه اسلام و قرآن تنها اطاعت از خدا و کسانی که اطاعت آنها، اطاعت

خداوند محسوب می‌گردد، لازم است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾

(نساء/۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر از ایشان را اطاعت نمایید.

انسان برای پیمودن راه محبت به راهنمای نیازمند است، تا هر برنامه‌ای را به

دستور او انجام دهد. به همین جهت خداوند به حبیب خود فرمان می‌دهد که به

مردم بگوید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبِّبُكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران/۳۱)؛ اگر راستی

چنین شده‌اید که خدا را دوست می‌دارید باید از من پیروی کنید تا خدا شما را

در نهایت آن دوست بدارد.

در راستای اطاعت حق، اعتقاد به رسالت انبیاء الهی ﷺ و اوصیای ایشان از

تأکیدات صریح آیه مذکور است.

۲-۱-۲. اطاعت از پیامبر و اهل بیت ﷺ: خاتم پیامبران مبعوث شد تا

فضایل اخلاقی را تحقق بخشیده و رذایل اخلاقی را متذکر گردد. حضرت برای

همین منظور از شیوه‌های خاصی همچون معاشرت نیکو، مهروزی، مردم‌داری و

(۳۶)

ایجاد اخوت و الفت بین مردم و همچنین تبییر، انذار و موقعه بهره می‌گرفت تا در سایه آن مردم را از بندگی جهالت برهاند و بهسوی فضایل اخلاقی و صفات پسندیده سوق دهد. خدای تعالی دوستی خود را برای انسان‌ها بی تثیت می‌کند که از انبیاء علیهم السلام تبعیت نموده و در قرآن مجید خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره ۲۵۷)؛ خداوند متولی امور کسانی است که ایمان آورده‌اند.

لازمه این امر آن است که ایمان به خدا توأم با ایمان به رسول و سپس به اوصیای گرامی، ائمه معصومین علیهم السلام باشد. همچنین از اهداف اصلی ارسال انبیاء علیهم السلام این است که آنها الگوی عملی برای مردم باشند و با رفتار و گفتار خود مردم را هدایت کنند. یکی از بهترین الگوهای عملی برای زندگی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده است که تعبیر «اسوة حسنة» در مورد ایشان در قرآن کریم آمده است:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكْرَ اللَّهِ كَثِيرًا» (احزاب/٢١)؛ قطعاً برای شما در [اقتنا به] رسول خدا سرمشقی نیکو است، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

مفهوم آیه می‌رساند که یکی از دلایل رسالت رسول خدا^{علیه السلام} و ایمان آوردن مؤمنین، این است که در گفتار و رفتار به ایشان تأسی کنند تا به کمال نهایی که هدف خلقت است، برسند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزَّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُون﴾ (نحل: ٤٤)

و بر تو نیز قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است برایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند.

بنابراین دوستی و محبت به حضرت رسول اعظم ﷺ و به دنبال آن دوستی اهل بیت عصمت علیهم السلام، محبوبیت نزد خدا را به همراه دارد. همان‌طور که در قرآن

بر و جوب محبت بر اهل بیت علیه السلام تصریح می فرماید:

«قُلْ لَا أَسْتَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى» (شوری ۲۳/۲)؛ (ای پیامبر)

(۴۷)

بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان (اهل بیتم) منظور دارید.

و همچنین سفارش أَكِيدَ پیامبر اسلام علیه السلام در احادیث بر اهمیت این موضوع

دلالت دارد:

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتٍ فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَقِيَّةٍ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَرَكَهَا غَرِقٌ»؛ مثُل اهل بیتم مانند کشتی نوح است که هر کس سوارش شد، نجات یافت و هر کس که از آن بازماند، غرق گشت (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۳۳۷).

۱-۱-۳. اطاعت از اولی الامر: اگر رهبر جامعه اسلامی به مسؤولیتی که به عهده دارد، پاییند بود، وظیفه مردم است که مطیع و فرمانبردار باشند، اما اگر به وظیفه خویش عمل نکرد، اطاعت او بر مردم واجب نیست.

در زمان کنونی که صاحب ولایت الهی حضرت حجت بن الحسن العسكري علیه السلام در پس پرده غیبت هستند؛ مسؤولیت هدایت و رهبری جامعه، طبق عقاید شیعه، به عهده فقهای عظامی است که صلاحیت این مقام را داشته و واجد شرایط لازم باشند (صبحاً، ۱۳۹۰، ص ۳۴۲).

علامه طباطبائی علیه السلام در خصوص وجه تکرار کلمه «اطیعو» در آیه شرife می فرماید:

«و اما اولی الامر هر گروهی که باشند، بهره‌ای از وحی ندارند، و کار آنان تنها صادر نمودن آرائی است که به نظرشان صحیح می‌رسد، و اطاعت آنان در آن آراء و در اقوالشان بر مردم واجب است، همان‌طور که اطاعت رسول در آراء و اقوالش بر مردم واجب بود» (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۴۱۳).

۲-۱-۲. عبادت

از مؤلفه‌های قابل تأمل در هویت فردی، اصل عبادت و عبودیت است. اسلام تأکید به پیروی از راه حق و حقیقت دارد، اما هر انسانی را مختار قرار داده تا خودش مسیر حرکت را انتخاب کند. وقتی بحث «فی آین» مطرح می‌گردد، قرآن با پاسخی شفاف در مورد فلسفه آفرینش انسان می‌فرماید:

﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاريات/۵۶)؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا بپرستند.

کمال نهایی انسان، قرب هر چه بیشتر به خدای متعال است و راه تقرب به خدا نیز عبودیت می‌باشد. حقیقت عبودیت، عبد بودن است؛ در واقع تنها راهی که ما را به هدف خلقت انسان می‌رساند، بندگی است؛ البته مرتبه دیگر از عبودیت این است که ما خدا را عبادت کنیم و اراده خود را تابع اراده او قرار دهیم (صبحان، ۱۳۸۶، ص ۴۹).

علامه طباطبائی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

«خدای تعالی انسان را آفریده و غایت و هدف نهایی از خلقتش را، که همان سعادت او و منتهی درجه کمال او است، تقرب عبودی به درگاه خود قرار داده، همچنان که خودش فرمود: ﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾، و این تقرب عبودی همان ولایت الهی نسبت به بنده‌اش می‌باشد، و خدای سبحان تمامی آنچه مایه سعادت او است و از آن در سلوکش به سوی غایتی که برای آنس خلق کرده متفق می‌شود، و آن عبارت است از همه نعمت‌های ظاهری و باطنی که در اختیار او نهاده است» (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۲۰، ص ۴۹۷).

امروزه با اینکه دنیا از نظر علوم و فن آوری فوق العاده پیشرفت کرده، اما در عین حال انواع ظلمت‌ها بر جامعه بشری، سایه شوم خود را گسترده است و تمام این‌ها نتیجه مستقیم ضعف ایمان و تقوا و فقر اخلاقی و معنوی است. به فرمایش امام علی علیه السلام بهترین راه درمان، پناه بردن به قرآن است:

«وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ»؛ تاریکی‌ها بدون قرآن برطرف نخواهد شد
(رضی، ۱۳۸۱، خ ۱۸).

(۳۹)

۱-۲. اعتلاجوبی

خودمحوری بلای بزرگی است و مهم‌ترین مانع راه تهذیب نفس و اخلاق و تزکیه، زیرا به انسان اجازه نمی‌دهد حقایق را آن‌گونه که هست درک نماید و اگر هم درست ببیند و بداند حق و حقیقت چیست مانع از آن می‌شود که حقایق را پی‌ذیرد، اما در دیدگاه اسلامی، انسان از عظمت و شرافت بسیار بالایی برخوردار است. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند:

«الإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ»؛ دین اسلام از همه ادیان بالاتر است و هیچ دین و آئینی بر آن برتری ندارد (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۱۴).

علی‌رغم باور خدامحوری در این دیدگاه، انسان نیز از طریق افاضه‌الهی، دارای اهمیت والایی در میان سایر موجودات است. به سبب همین شرافت، خدای متعال، موجودات والامقامی همچون ملائکه خود را موظف می‌نماید که در برابر عظمت انسان، سجده نمایند:

«وَ إِذْ قُلْنَا لِلملائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...» (بقره ۳۴)؛ و هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده و خضوع کنید.

و نیز نسبت به موجودات مادی زمینی می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره ۲۹)؛ او خدایی است که همه آنچه را در زمین است، برای شما آفرید.

تریست اصیل اسلامی، رفع موانع و ایجاد مقتضیات، برای پرورش استعدادهای مادی و معنوی در جهت کمالاتی است که خداوند هدف از خلقت انسان معرفی می‌کند. سرشت آدمی از یک سو خواهان برآورده شدن نیازهای بی‌شماری است و از سوی دیگر، دین اسلام خواسته‌ها و علقه‌های انسان را سرکوب نمی‌کند، بلکه سعی در تأمین و مشروعيت بخشیدن به آن نیازها دارد. بر پایه این باور،

هویت اسلامی مبتنی بر مؤلفه‌هایی است که غایت آن، کسب رضایت پروردگار و طی طریق حقیقت و دست یابی به آرامش و رضایتمندی درونی از اعمال خود باشد.

۲-۱-۲. غایت‌شناسی

یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی، که از ارکان اعتقادی اسلام نشأت می‌گیرد، اصل معادباوری و حیات اخروی است. انسان موجودی ابدی است که با قدم نهادن به جهان هستی، فناناپذیر می‌گردد. به اعتقاد ادیان الهی انسان راه گریزی از مرگ ندارد و آنجا که بحث «الی آین» مطرح می‌شود، قرآن کریم نیز به عالم برزخ اشاره می‌نماید:

﴿وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمٍ يُبَيَّنُونَ﴾ (مؤمنون/۱۰۰)؛ و فراروی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهد شد.

علامه طباطبایی علیه السلام، در توضیح این آیه می‌فرماید:

«کلمه برزخ به معنای حائل در میان دو چیز است، همان‌طور که در آیه **﴿بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَان﴾** (الرحمن/۲۰) به این معنا آمده است و منظور از این که فرمود: برزخ در ماورای ایشان است، این است که این برزخ در پیش روی ایشان قرار دارد، به ایشان احاطه دارد. پس اگر آینده ایشان را ورای ایشان گفته، به این دلیل است که برزخ در طلب ایشان است، همان‌طور که زمان آینده در مقابل و پیش روی انسان است» (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۷۲).

شایسته است انسان در پی کسب اندوخته‌ای باشد، زیرا دنیا مزرعه آخرت است؛ اعمال هر شخصی، موجب شکل‌گیری شخصیت او شده و این خصلت از او جدایی ناپذیر است. چنان‌که قرآن می‌فرماید:

﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدِي سَبِيلًا﴾ (اسراء/۸۴)؛
بگو: هر کس به طریقه خویش عمل می‌کند و پروردگار تو بهتر می‌داند که کدام یک به هدایت نزدیک‌تر است.

فصل سوم: تکوین هویت اسلامی در کانون خانواده

دین مبتنی بر وحی از سه بخش تشکیل می‌شود:

(۴۱)

۱. عقاید که شامل باور و اعتقاد به حقایق و واقعیت‌های جهان هستی براساس توحید است؛ مانند اعتقاد به وجود خدا، وحی و نبوت، قیامت و معاد، بهشت و دوزخ و مانند آن؛
۲. اخلاقیات، یعنی تعالیمی که فضایل و رذایل اخلاقی را به انسان شناسانده و راه تهذیب نفس او را از رذایل و تخلق به فضایل ارائه داده است؛
۳. شریعت و مناسک و احکام و مقررات که روابط فرد با خود و با خدای خود و با دیگران یعنی روابط اجتماعی و حقوقی، مدنی و سلوک اجتماعی و کیفیت اقتصادی و سیاسی و نظامی در این بخش قرار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

در آموزه‌های الهی، پدر و مادر در فرزندان، «خویشتن» را تداوم می‌بخشند. بر همین اساس برآئیم تا تأثیرپذیری فرزندان در کانون خانواده را در محورهای اعتقادی، اخلاقی و عملی مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۳. تأثیر خانواده در تکوین هویت اسلامی

- ۱-۱. نقش خانواده در پایبندی به ارزش‌های اعتقادی خانواده گرامی‌ترین نهادی است که قادر به تأمین نیازهای عاطفی فرزندان است؛ بنابراین نگرش والدین نسبت به فرزند، تأثیر مبنایی در مناسبات تربیتی آینده‌وى دارد. دکتر جیمز سی دابسون (dr.james c.Dobson) در خصوص نقش خانواده در دینداری فرزندان می‌گوید:

«خانواده سنتی، مؤثرترین ابزاری است که تاکنون جهت گسترش تعالیم دینی به وجود آمده است. اکثریت گسترده‌ای از مؤمنین، در کودکی متدين شده‌اند و این انتخاب دین، تحت تأثیر والدین آنها صورت گرفته است. با نابودی این نهاد، به هر ترتیب، ایمان و اعتقاد نسل‌ها و دیانت به مخاطره می‌افتد؛ این اتفاقی است

که هم‌اکنون در اروپای غربی و سایر کشورهای فاقد دین، روی داده است»
 (قدوسی زاده، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۰۲).^{۱۰}

از سویی چهره‌ها و ابزارهای تهاجم فرهنگی در هر عصری متفاوت است. زیر سوال بردن اعتقادات و ارزش‌های دینی، تحریف حقایق دینی، جو سازی و ایجاد التقاط، از جمله مکرها دشمنان است که نسل جوان را نشانه رفته‌اند. راه چاره در مقابله با این رویدادها، تثیت باورها و ثبات قدم در عمل به ارزش‌هاست. چون آموزه‌های اعتقادی بر اعمال عبادی مقدم هستند، ابتدا به برخی مسائل اعتقادی اشاره می‌شود.

۱-۱-۳. نقش خانواده در خداجویی: خداوند حکیم، انسان را موجودی متفکر و آگاه خلق کرد و او را خلیفه خود در زمین قرار داد. شیوع مفاسد اجتماعی در جوامع اسلامی نشان از نافرمانی از اوامر الهی دارد و به همین دلیل ضرورت شناخت خداوند و اطاعت از او برای همه انسان‌ها امری واجب شمرده می‌شود. نخستین تذکر تربیتی لقمان به فرزندش، دعوت به توحید و اجتناب از شرک ورزی بود که باید برای والدین نیز به عنوان ملاک قرار گیرد:
﴿وَإِذْ قَالَ لُقَمَانُ لِأَبْنَيْهِ وَهُوَ يَعْظِهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾
 (لقمان/۱۳)؛ و لقمان پرسش را پند می‌داد که: ای پسرک من، به خدا شرک می‌اور، زیرا شرک، ستمی است بزرگ،

موعظه، یادآوری نیکی‌هاست که با رقت قلب توأم باشد. اگر والدین در حین رفع نیازهای مادی و تعدیل خواسته‌ها، نکات اخلاقی و اعتقادی را خیرخواهانه و به زبان اندرز بگویند یا به صورت مشورت یا تبادل نظر با فرزند مطرح کنند، در اعماق روح او نفوذ کرده و در سایر موارد نیز به اهداف مشترک تربیتی خواهند رسید. البته در طی مسیر، باید تأثیر شگرف اغماض را نادیده گرفت.

۱-۱-۴. نقش خانواده در حب و رزیدن به پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام: خداوند برای این که انسان به جایگاه واقعی خود دست یابد،

امکاناتی نیز برایش فراهم نمود؛ از جمله به انسان عقل، شعور و اختیار عنایت فرمود و پیامبران را، که حامل کلام وحی و رابط خداوند با انسان هستند، مبعوث کرد؛ هم‌چنین امامانی ﷺ را به پیشوایی و راهبری قرار داد تا انسان در مسیر تفسیر کتاب‌های آسمانی و فهم و در ک احادیث پیامبران چار کج فهمی و ابهام نشده و با کمک و راهنمایی آنها، راه را از بی‌راهه تمیز داده و مسیر سخت و پر فراز و نشیب زندگی را طی کند. لازمه تحقق این هدف، پذیرش ولایت آن بزرگواران و ایجاد پیوند عمیق عاطفی و عشق به آنان است که در قرآن از آن به مزد رسالت یاد شده است. رسول الله ﷺ در مورد تربیت دینی فرزندان توصیه می‌فرمایند:

«أَدْبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثٍ خِصَالٍ حُبٌّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبٌّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ تِلَاءَةً الْقُرْآنِ»؛
فرزندان خود را برعهای خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل‌بیت او و خواندن قرآن (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۵۰۶)،
نهال وجود کودک در فضایی رشد می‌کند که مباشران دائمی او با اعمال خود، ترسیم می‌کنند. این رفتار و اعمال در فرزندان به صفت مبدل شده و اگر در آنها ملکه گردد، به دشواری قابل تغییر خواهد بود. لازمه این هدایت، اطاعت از روی اختیار و رضایت‌مندی است و چنین اطاعتی وقتی محقق می‌شود که همراه با عشق و محبت باشد. به همین دلیل در آموزه‌های اسلامی بر مودت پیشوایان معصوم تأکید شده است، زیرا اگر از کودکی پی‌ریزی شود، استوار خواهد ماند. نشاندن نهال دوستی در دل و جان فرزند با انتخاب نامی شایسته برگرفته از معصومین و معرفی مکارم اخلاقی و تشرف به زیارت آن بزرگواران، اقدامی مؤثر و پسندیده است.

۳-۱-۳. نقش خانواده در معادب‌اوری: اعتقاد به معاد یکی از اصول پذیرفته شده تمام ادیان الهی است که تبیین آن در نهاد خانواده تأثیر عینی دارد. از این رو خداوند برای نجات و رهایی از گمراهی و توجه به تعلیم و تربیت، به

سرپرست خانواده چنین خطاب می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوَا أَنْفَسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا﴾ (تحریم/٦)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را از آتش حفظ کنید.

(५५)

مهم ترین دوره تربیت فرزند و نهادینه سازی باورها و حفظ او از رذایل اخلاقی، دوران نوجوانی (۷ تا ۱۴ سال) می باشد. معارف، احکام، اخلاق و آدابی که در این دوران توسط مریان مدرسه و والدین در خانه آموزش داده می شود، به تدریج در شخصیت نوجوان، مستحکم می گردد، بنابراین فرزند باید در این دوران احکام و معارف و مسائل اعتقادی را بیاموزد و مؤدب به آداب اسلامی گردد، البته در پرتو ارتباط قلبی و عاطفی که والدین برای او زمینه سازی می کنند. به خاطر بسپاریم که تصویر تاریک از زندگی پس از مرگ و تأکید افراطی بر ترس از آخرت و عذاب های الهی، تأکید افراطی بر جنبه عاطفی اعتقاد به قیامت با تکیه بر برداشت های ضعیف از تعالیم دینی و عدم پرداختن به مبانی استدلالی و جنبه های عقلی و ذهنی آن موجب کاهش گرایش به باور معاد، به ویژه در بین نسل جوان می شود. بیان سطحی و تکراری معارف الهی در برخی از مجالس مذهبی و رسانه های گروهی سبب شده تا اشیاع کاذب در بعضی از جوانان به وجود آید و آنان انگیزه و نیاز جدی برای درک و فهم معارف اسلامی و از جمله مباحث مربوط به معاد را درخود احساس نکنند (ادهم، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

۳-۱-۲. نقش خانواده در پایبندی به تکالیف

خداآوند ابزارهایی را برای تذکر فراهم کرده که والدین باید با جذایت‌بخشی به آنها، فضای پذیرش را از سوی فرزندان تسهیل نمایند. تعلیم نماز، تلاوت قرآن و احکام دین، فلسفه روزه و زیارت، اسرار حج، بیان حقایق و معارف در لوای امر به معروف و نهی از منکر، ارزش جهاد و آثار پرداخت خمس و اتفاق در راه خدا از حمله مسائی، عادی مهمم، است که به احتمال به بخ، از آنها اشاره مم شود.

۱-۲-۳. نماز: آموزش و اقامه نماز یکی از توصیه‌های الهی در تربیت

دینی اعضای خانواده است. در اهمیت فریضه نماز، دعای پیامبران ﷺ مبنی بر این که خود و فرزندانشان در زمرة نمازگزاران محسوب شوند، قابل تأمل است. **﴿رَبٌّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرَيْتِي رَبَّنَا وَنَقْبَلُ دُعَاءِ﴾** (ابراهیم / ۴۰)؛ ای پروردگار من، مرا و فرزندان مرا بربای دارند گان نماز گردان. ای پروردگار ما، دعای مرا بیدیر.

با توجه به مقبولیت والدین در نزد فرزندان در سالهای نخستین زندگی، باید به تدریج و به موازات رشد عقلی کودک، اصول عبادی را به آنان انتقال داد. هر قدر این انتقال، ظریف‌تر صورت گیرد، تأثیرگذارتر خواهد بود، مثل همراه بردن فرزند به نماز جماعت و برگزاری جشن تکلیف برای نماز اولی‌ها که هم اثر تربیتی دارد و هم ماندگار است.

۲-۱-۳. روزه: آشناسختن فرزندان با روزه و ایجاد فضای مناسب برای انجام این عمل عبادی از وظایف پدران و مادران متعهد است. کودکان در سنین اولیه زندگی خود که به لحاظ تربیتی حساس‌ترین دوره است، بیشتر اوقات خود را در کنار والدین می‌گذرانند. پدر و مادر اهرم‌های زیادی برای تأثیرگذاری دارند؛ والدین می‌توانند با مشارکت دادن کودکان در روزه مثل بیدار کردن آنان در هنگام سحر، حضور در مراسم احیای شب‌های قدر و برپایی سفره‌های افطاری، خاطراتی به یادماندنی را رقم بزنند. نیاز به ترغیب و تشویق در نهاد همه انسان‌هاست. بکوشیم با بیان کلمات احترام‌آمیز در جمع، موفقیت کودک در گرفتن روزه کوتاه مدت را تأیید نموده و با دادن عیدی در روز عید فطر، زیبایی عملش را تصدیق کنیم.

قرآن کریم نیز آثار و برکات این عمل را حصول تقوا در اعمال و رفتار شخص روزه‌دار برمی‌شمرد: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصَّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾** (بقره / ۱۸۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه داشتن بر شما مقرر شد، هم چنان که بر کسانی که پیش از

شما بوده‌اند مقرر شده بود، تا پرهیزگار شوید.

۳-۲. نقش خانواده در پرورش فضایل اخلاقی

کودک در بطن زندگی و معاشرت در خانه و اجتماع با حدود و حقوق خود و دیگران آشنا می‌شود، اما این پدر و مادر هستند که باید در عمل مصاديق فضایل اخلاقی را به او نشان دهند. مفاهیمی همچون شکرگزاری، اتفاق، امانتداری، رعایت حقوق فردی و اجتماعی، همگی در سایه مهر و محبت والدین و هدایت به هنگام آنان، تجلی می‌یابد. خانواده، به عنوان یک گروه اجتماعی، ملزم به تبعیت از ارزش‌های اخلاقی است. یکی از اهداف آفرینش که خداوند متعال بلاfacile پس از آفرینش انسان بیان می‌کند، پاک‌سازی نفس و تقواست. آنجا که می‌فرماید:

﴿وَنَفْسٌ وَّمَا سَوَّاها. فَالْهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاها. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾
(شمس/۹)؛ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته، سپس فجور و تقوا را به او الهام کرده است، که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده است.

ارزش تزکیه و اخلاق در بیان قرآن به حدی است که از آنها به عنوان انگیزه بعثت انبیاء^{علیهم السلام} و فرستادن کتب آسمانی، یاد شده است. خداوند می‌فرماید:
﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَنْذُلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (آل عمران/۱۶۴)؛ خداوند بر انسان منت نهاد هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد.
در همین راستا از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای ^{علیه السلام} انسان باتفاقاً چنین معرفی می‌شود:

«آدم باتفاقاً کسی است که وقتی درباره مسأله هدف هستی، خدا و قیامت، بحث و سؤال مطرح می‌شود، به فکر فرو می‌رود، در این باب اندیشیدن،

تقواست» (قدوسی زاده، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۵۷).

اگر انسان، بخشی از نیروی جوانی خود را در جهت عبودیت و بندگی خدا قرار دهد و به پرستش و نیایش حضرت حق پردازد، نه تنها در جهان آخرت در ظل عنایات پروردگار قرار می‌گیرد، بلکه در این جهان مادی نیز توجه خاص الهی او را به خود جلب می‌کند؛ و تا آنجا به خدا نزدیک می‌گردد که خداوند، به او مباهات می‌کند. رسول خدا^{علیه السلام} فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي بِالشَّبَابِ الْعَابِدِ عِنْدَ الْمَلَائِكَةِ يَقُولُ: انْظُرُو إِلَى عَبْدِي! تَرَكَ شَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِي»؛ خداوند متعال به جوان عابد پرهیز کار در مقابل ملائکه مباهات می‌کند و می‌فرماید: به بنده جوان من بنگرید که به خاطر من شهوت‌های جوانی خود را رها کرده است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۴۶۴).

۲-۳. راهکارهای مؤثر بر هویت اسلامی در خانواده

۱-۲-۳. معرفی الگوهای صالح

الگوسازی رفتاری والدین در هویت‌بخشی فرزندان تأثیر بسزایی دارد و یافتن ویژگی‌های شخصیتی یک نمونه انسانی، که هویت اسلامی در او تثبیت یافته، راهکاری عملی برای تحکیم باورهای دینی فرزندان است. والدین باید به این مهم پردازند، چنان که امام صادق^{علیه السلام} در اهمیت به این مطلب می‌فرمایند:

«بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَنَةُ»؛ هر چه زودتر جوانانتان را با احادیث و گفتار هدایت گر معصومین^{علیهم السلام} آشنا سازید، قبل از این که مذاهب منحرف و گروههای انحرافی از شما پیشی گیرند (محمدی ری شهری، ج ۱۳، ص ۵۰۸).

فرزند نوجوان و جوانمان از پدر و مادر خانواده که آینه عفاف و غیرت است، الگو می‌گیرد. اگر والدین از طوفان انحراف و فساد در جامعه به اخلاق پسندیده و تعالی روح پناه ببرند، فرزند نوجوان آنان نیز به جای هرزگی و کام‌جویی ناروا

در ساحل عفاف و غیرت و فضیلت به آرامش می‌رسد. آیت‌الله خامنه‌ای ط در این زمینه می‌فرمایند: فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هر جای دنیا، یک فرهنگ است که مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌هاست. یک ملت عاقل و خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش می‌افزاید، فرهنگ خودش را غنی می‌سازد و آن بدی‌ها را رد می‌کند.

۳-۲-۲. رعایت حقوق مقابل

والدین و فرزندان دارای وظایفی در قبال هم هستند، چنان‌که نام‌گذاری کودک، پاسخ به نیاز عاطفی، تهیه روزی حلال، تعلیم و تربیت دینی، ایجاد فضای پر نشاط، فراهم کردن موقعیت اجتماعی و یاری کردن در ازدواج از وظایف والدین می‌باشد و در برابر آن فرزندان موظفند تا علاوه بر نیکی کردن به والدین، از آنها اطاعت کرده و در سن پیری از آنان دستگیری نمایند. پدر و مادر، خواهان سعادت فرزند هستند، گرمی و سردی روزگار را زیادتر از او چشیده‌اند و تجربیات خوبی در این راه اندوخته‌اند. شاید این پرسش برای فرزندان مطرح شود که چرا باید از پدر و مادر اطاعت کرد. قرآن کریم فلسفه این اطاعت را با برهان و استدلال همراه می‌سازد؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿وَصَّيَّنَا إِنْسَانًا بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهُنَّا عَلَىٰ وَهُنْ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدِيْكَ إِلَىَ الْمَصِيرِ﴾ (لقمان/١٤)؛ و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کند به خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته (هر روز) بر رنج و ناتوانی اش افزوده است، (و فرمودیم که) شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور، که بازگشت (خلق) به سوی من خواهد بود.

علامه طباطبائی ط در مورد احسان به والدین به نکات ظریفی اشاره می‌کند:

«در تفسیر عیاشی از ابی ولاد الحناظ روایتی ذکر شده که امام صادق ع فرمود: ﴿إِمَّا يَبْلُغَنَ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَّهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفَّ﴾ (اسراء/٢٣)،

معنایش این است که اگر والدین خستهات کردند به ایشان اف نگویی و اگر تو را زدند **﴿وَ لَا تَتَهْرِهُمَا﴾** (اسراء/۲۳)، ایشان را نرنجانی **﴿وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾** (اسراء/۲۳)؛ یعنی در عوض بگویی خدا شما را بیامرزد، این است قول کریم تو، **﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾** (اسراء/۲۴)؛ یعنی دیدگان خود از نگاه پر نکنی مگر به نگاه از رحمت و رقت، و صدای خود بلندتر از صدای ایشان و دست خود ما فوق دست ایشان بلند نکنی و در راه از ایشان جلو نیفتی» (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۳، ص ۹۸).

۲-۳. قریبیت جنسی

اگر پایه‌های شکل‌گیری هویت بر روی عوامل مستحکم و پایدار بنا نشود، فرد در حساس‌ترین مراحل زندگی خود، یعنی دوران نوجوانی و جوانی، به دلیل تحولات جسمانی، تمایلات غریزی و تعارضات درونی نمی‌تواند به صورت کامل و واقعی به تحلیل مسائل پیرامون خود از جمله فلسفه و هدف زندگی خود پردازد لذا دچار بحران هویت خواهد شد و بیشتر تحت تأثیر رفتارهای دیگران قرار خواهد گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای ره در تبیین این مسأله می‌فرمایند: «در هر جای دنیا که می‌بینید آزادی‌های جنسی هست، به همان نسبت خانواده ضعیف است» (قدوسی زاده، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۷۵).

راه کاری‌های مبتنی بر آیات و روایات، عفت و رزیدن را یکی از برترین عبادت‌ها می‌داند و نشان می‌دهد که محیط زندگی فرزندان باید زمینه را برای پرورش عفت و پاکدامنی فراهم گردداند. شرایط رشد جسمی و جنسی و غریزی بر حسب محیط‌های مختلف و جنسیت مخالف، متفاوت است. اولین گام برای حفظ نوجوان، دور کردن وی از تحریکات جنسی است. به همین جهت قرآن می‌فرماید:

﴿وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾

(نور/۵۹)؛ و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند،

همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند. همچنین در روایتی نورانی می‌خوانیم: «أَفْضَلُ الطَّاعَاتِ الْعُرُوفُ عَنِ اللَّذَّاتِ»، برترین عبادت‌ها دل کنند از لذات است (آمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۲).

یکی از این لذت‌ها، لذت در امور جنسی است، به ویژه برای نوجوانی که دوران بحرانی را سپری می‌کند و تجربه کافی از زندگی ندارد. وظیفه پدر و مادر است تا فرزندش را در معاشرت با افراد نابالغ و محیط خلوت، رصد کند و آمد و شده‌ها و دیدنی‌ها و شنیدنی‌های وی را تحت ناظارت قرار دهند تا صدمه جسمی و اخلاقی بر او وارد نشود.

شاید مهم‌ترین و اساسی‌ترین برنامه‌های تربیتی والدین برای فرزندان در این زمینه، پرورش حیا و عفاف است؛ البته حفظ عفت فقط به زنان اختصاص ندارد و در تعالیم اسلامی همواره از این واژه در مورد مردان و زنان استفاده می‌شود. به همین منظور در اینجا به عفاف از دو زاویه می‌نگریم.

۱-۳-۲-۳. عفاف و حجاب پوششی: لباس، نماد فرهنگ یک ملت است و به همین جهت پیوسته مورد هجوم دشمنان واقع می‌شود. دولت‌های استکباری با ترویج فرهنگ‌های بیگانه و جنگ نرم، مدهای متتنوع و ترویج افکار غلط و ضدمدحوب، سعی در سست کردن ریشه‌های اعتقادی و سلب هویت ملی جوانان داشته و با تغییر سریع این مدها جوانان را مشغول به حواشی مسائل نموده و عمر مفید آنان را در پی شناخت، تهیه و به نمایش گذاردن تجملات و مدهای روز به هدر می‌دهند. ساده‌پوشی در سیره پیشوایان دین یک اصل است. طبیعی است که در شرایط گوناگون و زمان‌های مختلف، روش‌های مناسب هر جامعه و زمان را می‌طلبد. پس حفظ این اصل، لزوماً هم به معنای حفظ همان شکل‌ها و قالب‌ها نیست، بلکه حدودی مثل نفی تجمل، اسراف، تبذیر و رعایت عفاف، کفاف، قناعت همیشه و در همه زمان‌ها قابل رعایت است.

۲-۳-۲-۳. عفاف و حجاب رفتاری: آرامش روانی، استحکام پیوند

خانوادگی، استواری اجتماع و صیانت از حریم والای خانواده حاصل رعایت این نوع عفاف خواهد بود. آیت الله خامنه‌ای ط در خصوص مرز عفاف، می‌فرمایند: «اسلام مقصود را معین کرده؛ مقصود این است که دیدار زن و مرد و ملاقات طبیعی آنها به صورت روزمره، تبدیل به یک عامل تحریک نشود و این هدف اسلام است» (قدوسی زاده، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۶۸). در فرازی دیگر پیرامون این مهم می‌گویند: «حجاب به معنای عصمت و حفظ زن است و نه فقط عصمت و حفاظت زن، بلکه عصمت و حفاظت زن و مرد، هر دو» (همان، ص ۶۷).

۳-۲. بصیرت افزایی

برخورد عاطفی در تربیت دینی فرزندان در زمرة وظایف والدین است. بصیرت آثار و برکاتی در زندگی انسان دارد؛ به گونه‌ای که آدمی را از مرز خودشناسی به خداشناسی می‌رساند، به علم و دانش او می‌افزاید و حقایق را در برابر دیدگان او روشن می‌سازد تا در فضای غبار آلود، حق را از باطل تشخیص دهد.

تأثیر و تأثر جوانان در هر جامعه با تحولات اجتماعی و فرهنگی آن مرز و بوم رابطه‌ای مستقیم دارد. امروزه طرفداران هر حرکت و فعالیتی که در پی موفقیت سریع و پیشرفت عجولانه هستند، به طور مبالغه‌آمیز و افراطی به سوی جوانان روی می‌آورند و سعی می‌کنند که از نیروی جوانان استفاده ابزاری نمایند (خادمی کوشان، ۱۳۸۲، ص ۲۱). خانواده‌ها برای بهبود روابط خود با فرزندان، قبل از هر چیز باید خصوصیات عصر جدید را بشناسند و واقعیت‌های دوران را درک نمایند. همان‌گونه که امام صادق ع می‌فرمایند: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»؛ کسی که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نمی‌گیرد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۳۶).

یکی از واقعیت‌هایی که باید نسبت به آن آگاه بود این است که جوانان امروز، دارای اطلاعات متنوع و ارتباطات متعدد هستند. باید بسیار هدفمند و با شیوه‌ای کارشناسی، اطلاعات آنان را جهت داد و ارتباطشان را هدایت کرد.

تلوزیون، به عنوان رسانه‌ای که به هر خانه‌ای راه یافته، نقش چشم‌گیری در تقویت و تضعیف هویت ملی و مذهبی جوانان دارد (آخوندی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۲). بازی‌های رایانه‌ای و پیامدهای منفی ناشی از استفاده ساعت‌های متمامی از آنها، رویکرد همگانی و امکانات رو به رشد ارسال پیام کوتاه و استفاده از تلفن همراه نیز از معضلات جامعه امروزی است و سلامت اخلاقی خانواده را تهدید می‌کند. نقش والدین در تحکیم بنیان خانواده، محوری است و در عین حال به کارگیری ابزار ارتباطی و مدرن را نباید زیر سؤال برد، بلکه باید از این ابزارها در احیای ارتباطات معنوی و اشاعه فرهنگ اصیل ایرانی بهره برد.

یکی از راههای حفظ هویت اسلامی، شناخت دشمن و مبادی نفوذ آن است. تبیین هویت اسلامی با رفتار دینی والدین تحقق پذیر است و افراط و تفریط در عقاید و باورها، زمینه آسیب دیدگی دین و دینداری را فراهم می کند. همیشه و در هر جامعه ای افراد افراطی و تفریطی یافت می شوند؛ افراط گرایان روش پیشوایان راستین را کند می شمرند و بر آن سبقت می گیرند و جامعه را به تباہی می کشند و به عکس تفریط گرایان حرکت پیشوایان را تنند می پنداشند و به بهانه دوراندیشی و احتیاط، از آنها عقب می افتد؛ هم خود را هلاک می کنند و هم جامعه را گرفتار نابسامانی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۱۵).

از حریه‌های دشمنان، ایجاد جنگ فکری و عقیدتی در بین افراد جامعه است. گاهی مضامین دین را مخصوص یک برۀ خاص زمانی معرفی می‌کنند و گاه با ترویج شبهه، دین را ناکارآمد قلمداد می‌نمایند. در فرهنگ غنی اسلام، مطمئن‌ترین راه برای مقابله با انحرافات، پشتوانه علمی و آگاهی است. گاهی فرزندمان در اثر القایات محیط، دچار انحراف فکری می‌گردد و ضد ارزش‌ها را ارزش تلقی می‌کند. والدین باید به خاطر بسپارند که جوان، حساس و زودرنج است؛ برخورد شایسته با چنین شخصیتی، خود نوعی هنر به شمار می‌رود. در سیره اهل‌بیت علیهم السلام تأکید شده که به شخصیت جوان بها داده و به او محبت کنید،

زیرا جوان مؤمن، نزد خدا حرمت دارد، بنابراین باید ارزش‌ها را از سال‌های نخستین زندگی به فرزند آموخت تا در سنین نوجوانی و جوانی براساس شناخت واقعی، در پی تحصیل آنها برآید.

﴿٥٣﴾

۳-۵. مدیریت زمان

در ایام زندگی انسان، لحظاتی فرامی‌رسد که در معرض نسیم حیات‌بخش الهی قرار می‌گیرد. طبق تعلیم معصومین ﷺ، فرصت‌های بر سر راه بشر، به ویژه جوانی، ناپایدار و زودگذر است و بر اثر کم‌ترین مسامحه و سهل‌انگاری این فرصت‌ها از دست می‌رود و جز مذمت و احساس شکست چیزی به جا نمی‌گذارد. امام علی علیهم السلام فرمایند:

«الْفُرْصَةُ تُمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَإِنْتَهِزُوا فُرَصَ الْخَيْرِ»؛ فرصت‌ها چون ابرها

در گذرنده، پس فرصت‌های نیک را غنیمت شمرید (رضی، ۱۳۸۱، ح۲۱).

مدیریت زمان، نیازمند انضباط شخصی است. ابتدا از خود آغاز کنیم. تکنیک‌های صرفه‌جویی در وقت را از انسان‌های موفق بیاموزیم و افکار آنان را شناسایی و معرفی کنیم. خودمان کارها را روی نظم و به موقع انجام دهیم؛ به نوجوان بیاموزیم که کارها را مؤثرتر انجام دهد، مثلاً قبل از انجام هر کاری، یک طرح ذهنی داشته باشد، کارهایش را یادداشت‌برداری کند، مدیریت کارهای چند وظیفه‌ای خود را برایش مثال بزنیم و از وی بخواهیم با شناسایی آسیب‌های اتلاف وقت و در برخی مواقع با واگذاری مسؤولیت، امورش را سامان‌دهی کند.

۳-۶. مسؤولیت‌پذیری

نظام حقوقی اسلام، نظامی تکلیف‌گر است؛ به عنوان مثال در متون دینی وقتی صحبت از حق انسان‌ها می‌شود، بحث از حقوقی است که انسان‌های دیگر بر ما دارند و به عبارت دیگر مسؤولیتی که ما در قبال دیگران داریم. البته چون این

حقوق، طرفینی است ما نیز این حقوق را داریم اما به دلیل همان بعد سازندگی و تربیت و هدایت، که دین اسلام برای خود قائل است، به جنبه تکلیف و وظیفه و مسؤولیت، توجه بیشتری می‌کند؛ لذا امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«اعْلَمُ رَحْمَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكُهَا وَسَكَنَةٍ سَكَنَتَهَا أَوْ حَالٍ حَلَّتَهَا أَوْ مَنْزَلَةٍ نَزَلَتَهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبَتَهَا أَوْ إِلَهٌ تَصَرَّفَتْ فِيهَا فَاكِبَرُ حُقُوقُ اللَّهِ تَبارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَ عَلَيْكَ لِنَفْسِهِ مِنْ حَقَّهُ الَّذِي هُوَ اصْلُ الْحُقُوقِ»؛^{۲۶} بدان که خدای عزوجل را برو حقوقی است که در هر جنبشی که از تو سر می‌زند و هر آرامشی که داشته باشی و یا در هر حالی که باشی یا در هر منزلی که فرود آیی یا در هر عضوی که بگردانی یا در هر ابزاری که در آن تصرف کنی، آن حقوق اطراف تو را فراگرفته است. بزرگترین حق خدای تبارک و تعالی همان است که برای خویش بر تو واجب کرده؛ همان حقی که ریشه همه حقوق است (حکیمی، ۱۳۸۶، ص ۶۶۲).

مسلمان تکلیف‌گر است و اصولاً دینداری بدون مسؤولیت‌پذیری و تعهد معنایی ندارد. در قرآن مجید، آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسؤولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی را برای انسان بیان کرده است؛ به عنوان مثال قبول مسؤولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است:

﴿وَ لَا تَزِرُ وَازْرٌ وَزْرٌ أُخْرَى﴾ (انعام/۱۶۴)؛ هیچ گناه‌کاری بار سنگین گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.

خداوند در این آیه ما را به این معنا راهنمایی می‌کند که بار سنگین مسؤولیت را احدي جز خود انسان بر دوش نمی‌کشد و در روز رستاخیز هر کس مسؤول پاسخ‌گویی به اعمال خویش است.

مسؤولیت‌پذیری در لسان روایات نیز همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. امام علی علیه السلام آنچنان خود را در پیشگاه خدا مسؤول می‌داند که حتی درباره آنچه می‌گوید وجود خویش را ضامن قرار داده و می‌فرماید:

«ذِئْتَنِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةً وَأَنَا بِهِ رَعِيمٌ»؛ عهده‌ام در گرو درستی سخن قرار دارد و نسبت به آن ضامن و پای‌بندم (رضی، ۱۳۸۱، خ ۱۶).

(۵۵)

مسئولیت را باید از دوران خردسالی، به عنوان یک وظیفه، به کودک آموخت تا فعالیت‌هایش عمق یافته و به صورت عادت درآید. برای داشتن فرزندانی مسئولیت‌پذیر می‌توان در ضمن بازی، نکات اخلاقی و انصباطی را به کودک تفهیم کرد. بازی به کودک می‌آموزد که چگونه در برابر دشواری‌ها و صدمات موضع گیری کند. بازی‌های گروهی، کودک را با نظام حیات اجتماعی آشنا می‌سازد و با نظرارت والدین، زمینه پیوندهای عاطفی، روح تعاون و احساس مسئولیت در قبال سایرین پایه‌گذاری می‌شود.

۳-۷-۲. انتظار و آرمان شهر مهدوی

از نگاه رهبری، انتظار یعنی ما باید خود را برای سربازی امام زمان^{علیه السلام} آماده کنیم. اهمیت فرهنگ مهدویت را می‌توان در هویت‌بخشی به فرد و جامعه دانست، اما نشر فرهنگ مهدویت در عصر کنونی اثر ویژه‌ای در هویت‌بخشی به فرزندان مان دارد. جامعه‌ای که به آینده اعتقاد دارد و بر آن باور است که عصری دگر فراخواهد رسید که با وضع موجود تفاوت دارد و از نقص‌ها برکtar و مدینه فاضله است، زندگی امروز خود را نیز می‌تواند براساس مدل کامل سامان دهد. او الگویی از وضع مطلوب دارد و همواره موقعیت و منزلت خود را با آن می‌سنجد (بهروز لک، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

هویت شیعه با امام زمانش تعریف می‌شود؛ از این روی است که کلام نبوی معنای کامل می‌یابد و ما می‌توانیم آن را در ک کنیم:
«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِيمَانَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۲۰).

در مکتب شیعی، امام هویت‌بخش است و شخص را از جامعه و عصر جاهلی جدا می‌سازد. در زمان ما نیز، که امام ما همان مهدی موعود^{علیه السلام} است، نه جدا از

وجود ما بلکه بخشی از هویت ما شیعیان است. هرگونه غفلت از او، غفلت از خویشتن خواهد بود. فرهنگ مهدویت در جامعه شیعی از آن روی اهمیت دارد که هویت‌بخش و کانون زندگی ماست. ما بدون مهدی^۱ مصدق «نسوالله فانسیهم نفسهم» خواهیم شد. طبق روایات شیعی، معرفت ما به خدا نیز بدون معرفت به حجت او تحقق نخواهد یافت (بهروزلک، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

بهترین راه برای هدایت و تربیت مهدوی جوان، پذیرش توانایی‌های جوان و اعطای مسؤولیت‌های جدی به او همراه با احترام و اکرام است. از دیگر وظایف والدین در فراز و نشیب زندگی، تبیین ویژگی‌های مهدی یاوران است. اینکه مهدی یاور، خدامحور، ولایت‌مدار، ائم قرآن، در اوج اخلاق، سخت کوش، با صلابت و آماده مجاهدت است، باید در بطن زندگی بر فرزند نمایانده شود. در خاتمه به روایتی اشاره می‌کنیم که انتظار و پرهیزگاری را شرط یاری امام زمان^۲ بیان می‌کند:

«مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلِيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ»؛ هر کس شادمان می‌شود به این که از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، پس انتظار بورزد و بر پایه تقوا و خوش خلقی، رفتار نماید، در حالی که منتظر است (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۲، ص ۱۴۰).

نتیجه‌گیری

در عصر کنونی با توجه به گسترش روزافزون ارتباطات از سوی دشمنان و جذایت‌بخشی به ابزارهای متنوع آن، زمینه اختلال شخصیتی فرزندان فراهم گردیده است. دشمن از طریق نفوذ و تأثیرگذاری بر اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای یک ملت می‌کوشد تا در حوزه‌های مختلف، فرهنگ مسمومی را تحمیل کند؛ همان تهدید خزنه‌ای که رهبر انقلاب^۳ از آن به عنوان جنگ نرم یاد می‌کند.

- خانواده‌ها ناگزیر از ارتباط اجتماعی و آگاهی یافتن از محیط اطراف خود می‌باشند. نخستین گام در این راه ماهیت‌شناسی و باز تعریف خویشتن اصیل اسلامی است، تا در مقابله با ورود هویت بیگانه، که از طریق سیاست‌های رسانه‌ای غربی اعمال می‌شود، نقش آفرینی کند.

- در پرتو آموزه‌های وحیانی اسلام، اندیشه و رفتار انسان فرهیخته و متعهد، بر میزان اطاعت الهی و پیروی از رسولان راستین و جانشینان بر حق آنان سنجیده می‌شود. در شرایط کنونی بی‌تردید مؤلفه‌های هویت اسلامی و زیرساخت‌های آن توسط ولایت فقیه تبیین گردیده که مهم‌ترین شاخص است.

- دین، مؤلفه اصلی هویت است و کانون مقدس خانواده تجلی گاه ارضی نیازهای جسمانی، عاطفی و معنوی هر فرد محسوب می‌شود. با توجه به توصیه‌های اکید اسلام مبنی بر تکریم شخصیت، آیات قرآن سه عنصر اساسی «اعتقاد، اخلاق و عمل» را از ارکان سازنده هویت انسان برمی‌شمارد.

- خانواده به عنوان پایه گذار شخصیت و هویت فرزندان، باید شناخت مقتضیات زمان را بر خود فرض دانسته و به صورت روزآمد بر بینش و آگاهی خویش بیفزایند. اگر فرزندان در محیط خانوادگی متعادل تحت حمایت عاطفی و معنوی والدین قرار گیرند از خطر آسیب‌های شخصیتی مصون خواهند ماند.

- انسان‌هایی که به دنبال کشف هویت واقعی خود هستند به دنبال پاسخ سؤالاتی می‌گردند؛ اینکه من کیستم، از کجا آمده‌ام، جایی‌گاهم در عالم هستی کجاست و به کجا خواهم رفت. قرآن کریم به تمامی این سؤالات پاسخ‌هایی بنیادی داده و با تشریح خودشناسی، خداشناسی و غایت‌شناسی، کرامت و مقام بنی آدم را متذکر می‌شود.

- فرهنگ مهادویت در عصر کنونی اثر ویژه‌ای در هویت‌بخشی به ما دارد. خانواده مسؤولیت‌پذیر و اسوه‌پرور با تبیین حیات طیبه و دولت کریمه امام عصر برای فرزندان، بسترها لازم جهت تحقق آرمان شهر مهدوی را فراهم

می نماید.

پی‌نوشت‌ها

﴿۵۸﴾

- . khamenei.ir ; ۸۷/۲/۱۶ .۱
- . khamenei.ir ; ۸۳/۲/۲۸ .۲

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

• قرآن کریم.

• نهج البلاغه (۱۳۸۱)، ترجمه محمد دشتی، مشهد، دانش پژوه.

۱. آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۷)، غرر الحكم و درر الكلم، ترجمه محمد علی انصاری، بی‌جا، بی‌نا، چاپ چهارم.

۲. آخوندی، محمد باقر (۱۳۸۳)، هویت ملی و مذهبی جوانان، قم، بوستان کتاب.

۳. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۴)، سیاست و مهدویت، قم، انتشارات حکمت رویش.

۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، سلسله بحث‌های فلسفه دین (دين شناسی)، قم، اسراء، چاپ دوم.

۵. حر عاملی، محمد (۱۳۷۴)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت ﷺ لایحاء التراث.

۶. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۶)، الحیاء، ترجمه احمد آرام، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ نهم.

۷. خادمی کوشان، محمد علی (۱۳۸۲)، جوان در پرتو اهل بیت ﷺ، قم، بوستان کتاب.

۸. شرفی، محمد رضا (۱۳۸۵)، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چاپ چهارم.

۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۲)، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

۱۰. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ عمید، تهران، اشجاع.

۱۱. فیض کاشانی، محسن (بی‌تا)، الوفی، قم، عطر عترت.

۱۲. قدوسی زاده، حسن (۱۳۸۸)، نکته‌های ناب، قم، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم.

۱۳. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۸)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، اصول کافی، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم، انتشارات قائم آل محمد ﷺ، چاپ پنجم.

۱۵. مجلسی، محمد باقر (بی‌تا)، بحار الأنوار الجامعه للدرر أخبار الأئمه الأطهار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، میزان الحكمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم،

دارالحدیث، چاپ هشتم.

۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰)، در پرسو ولایت، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ پنجم.

۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۶)، آیین پرواز، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۶)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، تهران، دارالكتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

نشریات:

۱. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۷۸)، «تهاجم فرهنگی و گفتگوی تمدن‌ها»، مجله قبسات، ش. ۱۴.

۲. نوید ادهم، مهدی (۱۳۷۸)، «اعتقاد به معاد و نقش آن در تربیت دینی نسل جوان(۱)»، نشریه رشد آموزش معارف اسلامی، ش. ۴۰.

سایت اینترنتی:

Khamenei.ir

